

## تحلیلی بر تکوین ساختار محله و جایگاه آن در سازمان فضایی شهر

دکتر جمال محمدی \*

### چکیده

یکی از اجزای سلسله مراتب تکوینی شهرها محله است. محله به عنوان یک جزء کلاسیک در شهرها در حقیقت یکی از عوامل اصلی هویت آن می باشد. بنابراین توجه به این ساختار در سازمان فضایی شهرها بسیار مهم و ارزشمند است. در این مقاله سعی بر این است که ضمن بیان نقش و جایگاه محله در ساختار فضایی شهرها، عواملی نظیر ساختار تکوین، ساختار مدیریتی و ساختار فیزیکی آن در قالب عوامل زیر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

- ۱- چگونگی تکوین ،
- ۲- عوامل مؤثر در شکل گیری و تداوم حیات محله ،
- ۳- ترکیب اجتماعی ،
- ۴- ساختار مدیریتی ،
- ۵- ساختار فیزیکی و اجزای آن ،
- ۶- خصوصیات کالبدی .

واژه‌های کلیدی: محله، شهر - ساختار - تکوین - کالبد - بافت - ساخت - فضا - سیستم - سلسله مراتب شهری - اجتماع - اقتصاد - فیزیکی

### مقدمه

محله یک فضای جغرافیایی است که در اثر کنش عوامل مختلفی همچون عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی طبیعی شکل می‌یابد. عنصر فضایی در شهرهای قدیمی نقش مهمی در ایجاد سلسله مراتبی شهرها به عهده داشته است که متأسفانه این موضوع در شهرهای امروزی کمرنگ شده است، براین اساس می‌بایستی به شکل مناسبی در ساختار شهرها این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی هر شهر اعم از این که دارای بافت ارگانیک و یا دیرینه تاریخی و یا سیستماتیک و یا از پیش طراحی شده باشد، دارای یک سازمان فضایی است که این سازمان از سلسله مراتبی تبعیت می‌کند. البته این ساختار به شکل منسجم و سازمان یافته در شهرهای قدیمی به خوبی قابل رؤیت است ولی در شهرهای با طراحی جدید، غالباً این ساختار وجود ندارد و ساکنین آنها مانند ساکنین شهرهای قدیمی تعلق خاطر به مکان و محلی خاص با هویتی مشخص را ندارند (Hyman, 1981: 69).

بسیاری از شهرها با توجه به قدمت و هویتشان نه تنها از بعد فرهنگی - تاریخی، اقتصادی، سیاسی و... دارای چهره‌های گوناگونی هستند، بلکه دارای ویژگیهای فضایی خاص خود نیز می‌باشند. به طور کلی طرح سازمان فضایی شهرها را می‌توان در دو رویکرد مورد مطالعه قرار داد:

یکی رویکرد کلاسیک (قدیم) که در آن طرح محله در شهرهایی مورد اشاره قرار گیرد که دارای سیر مدنیت طولانی و کهنی هستند. و از یک سلسله مراتب فضایی مشخصی برخوردارند.

دیگری رویکرد مدرن یا جدید می‌باشد که در آن، سلسله مراتب فضایی شهر از زوایای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. وقتی این نظریه‌ها به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد، حاکی از آن است که این گفتارها از همان نظریات کلاسیک یا به عبارت گویاتر، از همان نظام فضایی شهرهای قدیمی الهام گرفته است. نظریه‌های پری (C. Perry)، اشتاین (G. Stein)، رادبرن (Radberن)، هاوارد (E. Howard)، شکویی و... به خوبی گواه بر این مدعا می‌باشند.

## تعریف محله

محله به عنوان عنصری از عناصر ساختار فیزیکی شهرها، از دیدگاه فرهنگ نویسان، جغرافیدانان، شهرسازان، جامعه شناسان و... تعاریف خاصی را دارد که در این بحث به بعضی از این تعاریف اشاره می‌شود.

در لغت‌نامه دهخدا محله، کوی، برزن و یک قسمت از چندین قسمت شهر یا قریه و یا قصبه معنی شده است. بنا به عقیده دهخدا، در ترکیبات زیر واژه محله به آبادی مستقلی دلالت می‌کند نه بر قسمتی از آبادی: مانند اصفهانی محله، استرآبادی محله، یهودی محله و... (دهخدا، ۱۳۵۱: ۴۰۲)؛ البته این قسمت از تعریف محله حاکی از یک موضوع بسیار مهم یعنی استقلال محلات و این‌که محلات قادر به تأمین مایحتاج اساسی مردم خود بوده‌اند، است.

آقای دکتر شکویی نیز در تعریف محله بیان می‌دارند که «محله از تجمع و پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید» (شکویی، ۱۳۵۲: ۱۳۵).

به طور کلی در تعریف ساده از محله می‌توان گفت که: محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای خاص با ویژگیها و کالبدی معین تشکیل می‌شود (Turner, 1998: 346).

## تکوین محله

در بیان علل مؤثر بر تشکیل یک محله، عوامل مختلفی دخیل هستند که از بین آنها وجود یک حوزه جغرافیایی، تکوین یک اجتماع کوچک و وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم به عنوان مؤثرترین عوامل قلمداد می‌شوند. البته عوامل مختلف دیگری نیز در این زمینه مؤثرند. مثلاً بعضی از صاحب نظران چگونگی تشکیل یک محله را در قالب تجمع گروههای انسانی در فضایی متشکل و دارای مرز و کالبد معین، تحت تأثیر عواملی نظیر عوامل اقلیمی (فیزیکی)، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌دانند.

در زمینه علل پیدایش و تقسیم شهرها به محله و کوی و برزن می‌توان به عوامل مختلفی همچون عوامل زیر اشاره کرد:

## ۱) عوامل اجتماعی

در زمینه تأثیر عوامل اجتماعی، می‌توان به مواردی از قبیل وجود گروههای مختلف قومی در شهر اشاره کرد که موجب می‌شوند شهر به محلات مختلفی تقسیم شود مانند

محله کردها، محله ترکها همچنین در ساختارهای جدید تکوین محلات، وجود گتوهای (Geto) شهر زمینه پیدایش محلات شهری براساس ساختارهای حاکم بر این گتوها را فراهم کند (شکویی، ۱۳۶۵: ۶۳).

مذهب نیز به عنوان یک ساختار اجتماعی، می‌تواند موجبات ایجاد محلات شهری را فراهم کند مانند محله آرامنه، محله یهودیها و... حتی مذهب می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم همبستگیهای محله‌ای باشد (ریمون، ۱۳۷۰ ص ۷۳).

اقلیتهای مذهبی مانند زردتشتیان، مسیحیان و یهودیان همواره در محله‌ای جدا از دیگران زندگی می‌کردند (Driedger, 1997: 127). حتی در پی به قدرت رسیدن سلسله‌ها و حکام متعصب یا در مواقع بحرانی، مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. برای مثال سکونت اجباری ارمنه اصفهان در جلفا و یا محدودیتهای یهودیان محله جوباره اصفهان و یا انتقال اجباری زرتشتیان کرمان به بیرون از شهر در زمان شاه سلیمان صفوی (دلاواله، ۱۳۷۰: ۳۶-۴۹).

از زمان صفویه تا اواخر دوره قاجاریه گروه‌بندیهای فرقه‌ای موجب تقسیم محله‌های شهر به دو بخش عمده نعمتی خانه و حیدری خانه شد. در این گونه موارد پیروی از مذهب و یا فرقه‌ای خاص نه تنها به عنوان یک عامل همبستگی، به تشکیل محله‌های گوناگون منجر می‌شد، بلکه اختلافات بین آنان نیز گاه در گیریهایی را بین ساکنین آن به وجود می‌آورد. از این رو تشکیل یا جدایی محله‌ها براساس این اختلاف، گاه به خواست خود پیروان مذاهب و یا فرقه‌ها و گاه به دستور حاکم وقت صورت می‌گرفت.

کمپفر در سفرنامه‌اش نوشته است: «اینها (حیدری‌ها) دشمنی قلبی و باطنی با نعمت‌اللهی دارند. هر کس در ایران به طرفداری یکی از دو فرقه (حیدری و نعمتی) قیام می‌کند. به طوری که ساکنین تمام شهرهای ایران به دو گروه مختلف یعنی به طرفداران حیدری‌ها و نعمتی‌ها تقسیم شده‌اند» (کمپفر، بی‌تا: ۱۳۸-۱۳۷).

در برخی از شهرهای تولیدی و بازرگانی، شکل‌گیری فضایی اجتماعی برخی از محله‌های مسکونی نیز بر پایه همبستگیهای صنفی و حرفه‌ای استوار بود. در این محله‌ها اعضای یک یا چند حرفه مانند سراجان، کفاشان، نساجان و... در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند.

## ۲) عوامل اقتصادی

ساختارهای اقتصادی نیز می‌توانند به شکلی موجبات تقسیم فضایی شهر را فراهم کنند، به گونه‌ای که وجود فعالیتهای مختلف اقتصادی یا به عبارتی وجود مشاغل گوناگون، می‌تواند زمینه پیدایش این عنصر فضایی شهر یعنی محله را فراهم نماید به گونه‌ای که ما در شهرهای قدیمی شاهد وجود محلاتی همچون محله مسگرها، محله بزازها و ... می‌باشیم .

وجود اختلاف طبقاتی نیز یکی از زمینه‌هایی است که می‌تواند شهر را به محلات فقیر و غنی تقسیم کند و در حقیقت نوعی توپوگرافی اجتماعی را رقم می‌زند .

## ۳) عوامل سیاسی

ساختارهای سیاسی نیز می‌توانند زمینه تقسیم شهر را به محلات مختلف فراهم کنند، مثلاً تقسیم یک شهر از لحاظ اداری به واحدهای مختلف به منظور سهولت رسیدگی و اداره بهتر خود به عنوان عامل مهمی در این زمینه می‌باشد .

## ۴) عوامل طبیعی

در بعضی از موقعیتهای فضایی، عواملی مانند رودخانه، کوه، تپه، پوشش گیاهی و ... می‌توانند زمینه تقسیم یک شهر به محلات مختلف را فراهم کند مثلاً در شهر اصفهان رودخانه زاینده رود چنین نقشی را در جداسازی محله مسلمانان از آرامنه داشته است . در ایران در شهرهایی که پیش از اسلام شکل گرفته بودند عامل اقتصادی - اجتماعی نقش عمده‌ای در مرزبندی محله‌های مسکونی و روابط داخلی و خارجی آنها داشت . پس از اسلام این روابط دچار تحول و دگرگونی نشد و در برخی شهرها، مرزبندی محله‌های مسکونی بر پایه پیوندهای عاطفی و قبیله‌ای تعیین می‌شد و اعضای هر طایفه در محله مخصوص به خود جای می‌گرفت ( پاپلی یزدی، ۱۳۶۳ ) .

اگر بخواهیم این عوامل را در مورد کشور ایران مورد بررسی قرار دهیم، به طور خلاصه می‌توانیم ادعا کنیم که در ایران در شهرهایی که پیش از اسلام شکل گرفته بودند عامل اقتصادی - اجتماعی نقش عمده‌ای در مرزبندی محله‌های مسکونی و روابط داخلی و خارجی آنها داشت، پس از اسلام این روابط دچار تحول و دگرگونی نشد . در برخی شهرها، مرزبندی محله‌های مسکونی بر پایه پیوندهای طایفه‌ای و قبیله‌ای تعیین می‌شد و اعضای هر طایفه در محله مخصوص به خود جای می‌گرفت ( پاپلی یزدی، ۱۳۶۶ : ۵ ) .

در برخی شهرها منزلت اجتماعی و عوامل فرهنگی در تفکیک گروه‌های انسانی نقش مؤثرتری داشته است. مثلاً علما و بزرگان در محله‌های جداگانه به سر می‌بردند. در این موارد اهمیت یک محله بیشتر متکی به سکنی‌گزینی افراد سرشناس و به اصطلاح اعیان آن بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۳۷).

پس از قرن سوم هجری عامل مذهب نیز به یکی از عوامل مهم همبستگی‌های محله‌ای تبدیل شد، به طوری که در بعضی شهرها پیروان مذاهب گوناگون نظیر شافعیان، حنفیان، شیعیان و... در محله‌های مجزا و مخصوص به خود زندگی می‌کردند و گاه تأسیسات عمومی ویژه‌ای هم برای خود احداث می‌کردند (Bianca, 1985: 34).

### جمعیت و محله

در خصوص میزان جمعیت پذیری محله‌ها و ضوابط تعیین سقف حداقل و حداکثر آن، باید اذعان کرد که چه در رویکرد جدید و چه در رویکرد قدیم، ضابطه خاصی وجود نداشته است.

در این خصوص دانشمندان نظریه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. به اعتقاد برخی از آنها حداقل جمعیتی که در بیشتر موارد موجب می‌شود یک اجتماع جمعیتی را محله بنامند، نمی‌تواند کمتر از دویست نفر باشند، اما حداکثر جمعیت یک محله دارای حد و میزان مشخصی نبوده و این امر با خصوصیات کالبدی، فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی یک شهر مرتبط است.

در رویکرد جدید برخی از دانشمندان نظیر کلرنس پری، اشتاین، رادبرن و... حد مطلوب جمعیتی یک محله را به توان ارائه خدمات، به ویژه خدمات آموزشی به جمعیت ساکن در آن می‌دانند. به عنوان مثال، پری معتقد است که جمعیت محله‌های مسکونی بر مبنای ضروریات و محدوده عملکرد یک مدرسه ابتدایی شکل می‌گیرد؛ و یا به قول اشتاین، جمعیت یک محله به اندازه گستره یک مدرسه ابتدایی می‌باشد. امروزه در ساخت شهرهای جدید، اعداد و ارقام خاصی را به کار می‌برند به گونه‌ای که اگر مساحت محلات را حدود ۶۴ هکتار در نظر بگیرند، جمعیتی را که در آن پیش‌بینی می‌کنند، حدوداً بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر است (Clarence, 1992: 42).

## روابط و ترکیب اجتماعی محلات

در جامعه شهری به هر وسعتی که باشد، مردم علاقه‌مند هستند در مجاورت گروهی زندگی کنند که به لحاظ منزلت اجتماعی تا حدودی برابرند، یعنی مثل خودشان هستند. از این رو می‌بینیم که محلات شهری از یکدیگر بسیار متفاوتند. گروه‌های کم درآمد در محله‌های عقب مانده زندگی می‌کنند و گروه‌های پر درآمد، محلات و حومه‌های سالم و زیبای شهر را انتخاب کرده‌اند. طبقه متوسط شهری جای مخصوص به خود دارد. جامعه شهری از حوزه‌های اجتماعی متفاوت و پیچیده‌ای تشکیل می‌شود. خانواده‌های شهری به هر طبقه‌ای تعلق داشته باشند، هنگام انتخاب محله مسکونی تحت تأثیر چهار عامل مهم قرار می‌گیرند:

(۱) میزان درآمد،

(۲) ساخت خانواده،

(۳) پایگاه اجتماعی،

(۴) علاقه به جا به جایی (شکویی، ۱۳۶۰: ۴۲).

محلات مسکونی در شهرهای ایران دارای حوزه‌های اجتماعی مختلفی بوده‌اند. تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... آنها را به صورت مشخص از یکدیگر جدا می‌کرده است.

هر محله در محدوده خود دارای برخی تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز زندگی رومزه ساکنین نظیر دکانها، آب انبارها، بازارچه، مساجد، حسینیه‌ها، حمامهای عمومی، سقاخانه، مدارس و داروخانه‌ها است که تنها مردم محله می‌توانند به آسانی در همه روزها از آنها بهره‌مند شوند.

به طور کلی می‌توان گفت که محلات شهری از لحاظ ساختار اجتماعی از یک استقلال و ویژگی خاص اجتماعی برخوردار هستند.

از مهمترین عوامل بر هم زنده پیوند محلات، نظیر تفرقه‌اندازی بین گروه‌های مردم، می‌توان از عامل مذهب در ابعاد اجتماعی و عامل شغل در ابعاد اقتصادی نام برد. تاریخ شهرهای قدیمی شاهد وقوع حوادث مهمی در این زمینه بوده است. مثلاً در تاریخ اصفهان ذکر شده است که در سال ۵۶۰ هجری قمری میان شافعیان و حنفیان جنگی به مدت یک هفته به وقوع پیوست که در اثر آن عده بسیار زیادی کشته و مجروح شدند (مه‌دوی، بی‌تا: ۱۲).

گاه بین افراد یک صنف به دلیل دارا بودن شغل یکسان، نوعی پیوند اجتماعی و صمیمیت ایجاد می‌شد و دکانداران را به ویژه در اجرای مراسمی خاص نظیر مراسم مذهبی ماه محرم و عزاداریها، جشنها و اعیاد، به صورت دسته‌های جداگانه دور هم جمع می‌کرد. در اینجا شغل و هدف مشترک، پیوند دهنده بین افراد هر صنف به شمار می‌رفت.

ترکیب اجتماعی محلات در بستر زمان تابع عوامل مختلفی بوده است، اما به طور کلی عوامل اقتصادی و اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری ترکیب اجتماعی محلات یک شهر بر عهده داشته‌اند. به عنوان مثال، در ایران ترکیب اجتماعی ساکنان بسیاری از محله‌های واقع در شهرهای پیش از اسلام، کما بیش تحت تأثیر نظام اجتماعی و طبقاتی آن زمان، از گروهها و قشرهایی همانند و منسجم تشکیل یافته بود. اعضای هر گروه اجتماعی در محله‌ای معین زندگی می‌کردند (کیانی، ۱۳۶۵: ۳۶۷).

در سرزمینهای اسلامی، شهر مجموعه‌ای از محله‌های متجانس و همگن است که براساس روابط مناسب، شکل و وابستگیهای قومی، مذهبی، حرفه‌ای یا سرزمینی در مکان مشخص مجتمع شده و هدایت و اصالت خود را سالها به همین صورت نگه داشته‌اند (مشهدی زاده، ۱۳۷۵: ۲۲).

### مدیریت محله و ساختار آن در شهرها

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه برنامه‌ریزان شهری، چگونگی مدیریت شهر و عناصر فضایی آن است. محله هم که یکی از مهمترین عناصر فضایی شهرها است، از لحاظ ساختار مدیریتی در طول زمان، دارای ویژگی خاصی بوده است که در اینجا به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد. به طور کلی اداره محله‌ها و نظم بخشیدن به امور داخلی و خارجی آنها از دو طریق کلی صورت می‌گرفت:

۱ - از طریق عناصر اجتماعی - فرهنگی داخل خود منطقه مانند بزرگان، ریش‌سفیدان و شیوخ ساکن در محله و یا عیاران و پهلوانان و...

۲ - عناصری که از طرف حکام شهر یا پادشاه تعیین و انتخاب می‌شدند. این گروه اخیر را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد که با عهده‌دار بودن وظایف مختلف و درجه اهمیت متفاوت به اداره امور شهر می‌پرداختند:

(۱) اولین دسته حاکمان و امیران بودند که عهده‌دار امور اداری، سیاسی و امنیتی شهر و

منطقه نفوذ آن محسوب می‌شدند.



- ۲) دومین دسته گروهی بود متشکل از ریش سفیدان شهر، کلانتر و کدخدایان محله‌ها که به رسیدگی امور اجتماعی و اقتصادی در سطح شهر و محله‌های مسکونی می‌پرداختند.
  - ۳) دسته سوم شامل داروغه‌ها می‌شد که اداره امور انتظامی را بر عهده داشتند.
  - ۴) چهارمین گروه قضات بودند که امور قضایی را مورد بررسی قرار می‌دادند.
- در اینجا پیرامون وظایف هر یک از این گروه‌ها اشاره مختصری خواهیم داشت :

### حاکم

حاکم هر ایالت در شهری که مرکز ایالت محسوب می‌شد مستقر می‌گشت و بر کار امرا، تیولداران، نخبگان، کلانتران، کدخدایان و سایر کارکنان دولتی نظارت می‌کرد. علاوه بر رسیدگی به کلیه امور اداری و سیاسی ایالت بررسی شکایات مرتبط با مقامات اداری و کنترل راهداران نیز امور انتظامی را در کنترل داشت ( Serjeant, 1980: 45 ).

### کلانتر

مسئول رسیدگی به امور اصناف و انجمنهای صنفی، محله‌های شهر، تقسیم کارهای اجتماعی و شهری بین زیردستان، تعیین سهم مالیات هر صنف و گروه و کارهایی از این قبیل بود.

### کدخدا

سنت اداره محله‌های مسکونی توسط یکی از مهتران ساکن محله سابقه‌ای طولانی دارد. هر محله مسکونی دارای یک رئیس بود که تحت نظارت رئیس شهر وظایف و مسولیت‌های خود را انجام می‌داد و او را کدخدا می‌نامیدند.

### محتسب

اختیارات وسیعی داشت و عهده‌دار رسیدگی به بعضی امور مربوط به مسائل شهری، اقتصادی و احکام مذهبی بود. کنترل نرخ اجناس و جلوگیری از گران‌فروشی یا کم‌فروشی، نظارت بر کیفیت مواد غذایی و کالاها و سرکشی به فضاهای عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و مجازات خلاف کاران از جمله وظایف وی بود ( Serjeand, 1980 : 49 ).

## داروغه و عسس

این دو با کمک هم به کنترل اوضاع و مراقبت از خانه‌ها و بازارها در برابر دستبرد دزدان و نیز تعقیب آنان و یافتن کالاهای مسروقه و بازگرداندن آنها به صاحبان اصلی شان می‌پرداختند. علاوه بر این، داروغه‌ها با تکیه بر موقعیت و نفوذ خود به بهانه‌های مختلف به اخاذی از بازاریان می‌پرداختند و بدین وسیله مبالغ هنگفتی به جیب می‌زدند.

## قضات

یکی از مهمترین منصبهای مذهبی اجتماعی در قرون اولیهٔ هجری که از اهمیت و منزلت خاصی نیز برخوردار بود منصب قضاوت محسوب می‌شد. آگاهی از اصول مذهبی و اجتهاد از شرایط عام قضات می‌شد. قضات از طریق قضاوت بین دعاوی و حل و فصل اختلافات شرعی بین مردم به انتظام امور و کنترل جامعه می‌پرداختند.

## دیوان بیگی

عالی مقام‌ترین قاضی جزایی ایران بود و مسئولیت رسیدگی به شکایات و نظارت بر محاکم عرف که در آنها به امور جزایی از قبیل قتل و سرقت و غارت رسیدگی می‌شد. بر عهدهٔ این مقام بود.

در نظام جدید تکوین محلات شهری، سیستم مدیریت شهری شکل خاصی را به خود پذیرفته است به گونه‌ای که غالباً از طریق سیستم اداری - سیاسی، مدیریت یک محله شهری شکل می‌گیرد. البته متناسب با دیدگاه حاکم بر نظام برنامه‌ریزی یک جامعه، سیستم مدیریتی آن نیز متفاوت است به گونه‌ای که مثلاً در نظامهای متمرکز، نقش مشارکتی و نظارتی مردم بسیار محدود و یا اساساً وجود ندارد، در صورتی که در نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز غالباً نقش مشارکتی مردم جایگاه ویژه‌ای را در مدیریت شهر و محلات شهری دارد و شوراهای شهر که در حقیقت نمایندگان محلات و مناطق مختلف شهر هستند، نقش تعیین کننده‌ای را در مدیریت شهر به عهده دارند (نیامی، ۱۳۴۰: ۱۱).

## اجزای محله

برای این که محله‌ای تشکیل شود و یا زندگی محله‌ای در آن رسمیت یابد، باید برخی بناها و تأسیسات عمومی به عنوان حداقل امکانات مجهز شود. این بناها می‌توانند حداقل یک انبار، سقاخانه، مسجد، حمام و بازارچه باشند. در مراحل بعدی عوامل متعددی از جمله

وسعت محله، جمعیت آن، وضعیت اقتصادی و مالی ساکنان محله مدنظر قرار می‌گیرند. مجموعه این تأسیسات غالباً در مکانی به نام مرکز محله تمرکز می‌یابد. مرکز محله، محل استقرار فضاها و عناصر خدماتی متعلق به محله است. انواع خصوصیات عناصر مزبور تحت تأثیر عوامل متعددی، از جمله خصوصیات اقلیمی، جغرافیایی و توان اقتصادی ساکنان شهر شکل می‌گیرد. البته در انتخاب مکان مرکز محله عواملی نظیر موقعیت محله نسبت به بازار و دروازه‌های اصلی شهر و خواست بنیانگذاران فضاهای خدماتی و نیز مردم محله تأثیر داشته است. به عبارتی روشن‌تر، نوع، کیفیت و مقدار فضایی که به هر یک از تأسیسات و عناصر خدماتی محله اختصاص داده می‌شد، علاوه بر مشروط بودن به ویژگی‌های عام پدید آورنده و شکل دهنده شهر و آداب و رسوم و اعتقادات اهالی هر محله، از یک سو به وضعیت و توان اقتصادی اهالی محله و از سوی دیگر به وسعت و اندازه محله بستگی داشت. به طوری که ممکن بود یک محله متوسط، علاوه بر دارا بودن عناصری چون مسجد و حمام، به چند واحد تجاری مصارف روزانه مردم نیز مجهز باشد. قصابی، نانواپی، بقالی، میوه و سبزی فروشی از جمله مغازه‌هایی بودند که در مرکز این اماکن در مجموعه‌ای به نام بازارچه قرار داشتند (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۱۵۶).

در برخی شهرهای کوچک که ساکنان هر خانه نان مصرفی خود را می‌پختند، ممکن بود تنها یک نانواپی در بازار شهر برای مسافران و غریبان و سایرین نان می‌پخت یا نان خانگی عرضه می‌کرد. در این صورت در مرکز محله‌ها نانواپی وجود نداشت. اغلب در اثر تجمع واحدهای تجاری در مرکز محله‌ها به ویژه در محله‌های بزرگ، بازارچه محلی تشکیل می‌شد، ولی محله‌هایی هم بودند که به دلیل فاصله نسبتاً اندک از بازار شهر و نیز جمعیت کم، فاقد مرکز تجاری و بازارچه بودند. ساکنین این محله‌ها از بازار شهر استفاده می‌کردند.

نوع تأسیسات مرکز محله، بسته به خصوصیت جغرافیایی و اقلیمی مناطق در مراکز شهری مختلف، متفاوت بود. به عنوان مثال، در شهرهایی که سطح آبهای زیرزمینی پائین بوده و دسترسی به آب به سادگی برای همه مردم و به صورت فردی ممکن نبود، آب انبار از عناصر مهم خدماتی محسوب می‌شد. حال آن که در شهرهایی مانند اصفهان که سطح آبهای زیرزمینی به حدی بود که همه خانواده‌ها به سادگی به آن دسترسی داشتند، آب انبار از عناصر مرکز محله به شمار نمی‌رفت (سلطانزاده، ۱۳۶۸: ۲۳۹).

آداب و رسوم اهالی هر شهر نقش زیادی در سیمای فضایی آن دارد. در شهرها براساس اعتقادات مردم، حسینیه‌ای سرپوشیده و یا تکیه‌ای جداگانه ساخته می‌شد. اجتماعات در

فضای باز مرکز محله و مراسم در میادین و بازار یا در مسجد، حسینیه، تکیه، صورت می‌گرفت. این اماکن برای گذران اوقات فراغت محله نیز مورد استفاده واقع می‌شد. در بعضی محلات، علاوه بر تأسیسات ضروری شهروندان، بناهای فرهنگی و مذهبی از قبیل مدرسه و خانقاه هم ساخته می‌شد. این مراکز در صورت وسیع بودن محلات ساخته می‌شدند.

احداث بناها و فضاهای عمومی در مرکز محله به چند گونه صورت می‌پذیرفت:

۱- گاه اهالی محله با همکاری یکدیگر در تأمین هزینه‌های مورد نیاز و نیروی کار به ساختن فضا می‌پرداختند.

۲- مواقعی هم اعیان و ثروتمندان با انگیزه‌های مختلف، هزینه‌ی احداث بناها و مجموعه‌های عمومی را به تنهایی به عهده می‌گرفتند.

در ساختار نوین محلات شهری، امکانات و تجهیزات مختلفی در نظر گرفته می‌شود، به گونه‌ای که این تأسیسات بتوانند نیازمندیهای اساسی و ضروری یک محله را تأمین کنند. این امر رابطه بسیار نزدیکی با سطح توسعه جامعه از یک طرف و حاکمیت یک نظام برنامه‌ریزی مدون شهری از طرف دیگر دارد. دکتر شکویی امکانات لازم برای یک محله شهری را وجود مهدکودک، دبستان، محل بازی کودکان، پارک، عبادتگاه، مغازه‌های خرده‌فروشی و خدماتی درمانی می‌دانند (شکویی، ۱۳۶۵: ۵۳). پری وجود فضای سبز محلی، تأسیسات خرید، مراکز مذهبی، کتابخانه، مراکز اجتماعات و مرکز آموزشی را به عنوان اجزای اصلی یک محله یاد می‌کند.

به طور کلی، محله دارای مرکزی است که غالباً محل استقرار سطوح خدماتی مختلف می‌باشد. به عبارتی عملکرد خدماتی مرکز محله بستگی به عناصری دارد که محله در خود جای داده است.

امروزه مرکز محله محدوده‌ای است که جمعیت و خدمات محله‌ای مانند واحدهای تجاری برای خرید روزمره، مسجد، حمام، کودکانستان، دبستان و پارک فضای سبز، براساس طرح تفصیلی شهر در آن استقرار یافته‌اند.

### خصوصیات کالبدی محله‌ها

ویژگیهای کالبدی محلات تابع عوامل مختلفی می‌باشد که مهمترین آنها را می‌توان به شرح زیر نمایش داد: ۱- بافت، ۲- وسعت، ۳- شکل، ۴- سیمای محله و ۵- خصوصیات مرکز محله.

## بافت

نحوه استقرار واحدها و عناصر معماری شهری و شبکه ارتباطات در کنار یکدیگر موجب تکوین ترکیبی متشکل از فضاهای خالی و پر موسوم به بافت می‌شود. بافت هر محله، ترکیبی پویا و زنده است که همواره همگام با دگرگونی‌هایی در تعداد و ترکیب نسبی جمعیت، نظام محیط طبیعی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی، نظام ارتباطی، ابزارها و دانش فنی و سایر نظام‌ها (سیستم‌ها) و عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضاها و عناصر شهری پدید می‌آید (لینچ، ۱۳۷۶: ۳۴۶). به این ترتیب، مطالعه در بافت هر محله، علاوه بر مشخص کردن دانه‌بندی فضای کالبدی آن تعیین مقررات نسبی و رابطه‌ای بین فضاهای پر و خالی، می‌توانند به طور غیرمستقیم موارد دیگری را نیز برای جستجوگر مشخص کنند از جمله:

- ۱- شبکه‌های ارتباطی دلخواه دسترسیها و خصوصیات کلی راهها و کوچه‌ها و تشخیص راههای فرعی و اصلی،
  - ۲- نحوه توزیع فضایی فعالیتها،
  - ۳- چگونگی استقرار طبقات اقتصادی - اجتماعی در محله‌های شهر،
  - ۴- نحوه شکل‌گیری و مراحل رشد و توسعه شهر و محله‌های آن در طول تاریخ.
- به طور کلی، بافت محله‌ها از نظر چگونگی قرارگیری فضاهای کالبدی در کنار یکدیگر به دو نوع پیوسته و گسسته قابل طبقه‌بندی است:

**الف - بافت پیوسته:** بافتی است که دانه‌های تشکیل دهنده آن به یکدیگر پیوسته و متصل باشند. نمونه این بافتها را می‌توان در بخش قدیمی اغلب شهرهای نواحی گرم و خشک یا نواحی سرد کشور مشاهده کرد. شهر اصفهان در ایام قدیم یکی از نمونه شهرهای با بافت پیوسته بوده است.

**ب - بافت گسسته:** مواردی است که دانه‌های تشکیل دهنده بافت از یکدیگر جدا باشند و بین واحدهای مسکونی فاصله‌ای هر چند اندک وجود داشته باشد. نمونه این بافتها در شهرهای واقع در نواحی معتدل و مرطوب شمال و نواحی گرم و مرطوب سواحل جنوبی کشور قابل مشاهده است. جنبه امنیتی بافتهای پیوسته در دهه‌های مختلف تاریخی اهمیتی متفاوت داشته است.

## وسعت

وسعت و اندازه هر محله تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و محله‌ها از این نظر بسیار متنوع هستند. امکانات اقتصادی ساکنان محله، اوضاع اقلیمی و جغرافیایی محل، وضعیت توپوگرافی، موقعیت اجتماعی ساکنان محله و... از جمله عوامل تأثیرگذار بر وسعت و اندازه محله‌ها است.

## شکل

منظور از شکل محله، نحوه جابه جایی فضاهای کالبدی در بخشهای مختلف محله است. با توجه به این که شکل‌گیری اغلب محله‌ها به صورت ارگانیک و بدون نقشه‌ای از قبل طراحی شده صورت می‌گرفت، کمتر اتفاق می‌افتاد که در آغاز شکل‌گیری محله، مکان قرارگیری مسکن و فضاها و عناصر محله‌ای از ابتدا تعیین شده باشد. علاوه بر این، عبور راههای اصلی از درون برخی محله‌ها ممکن بود توسعه خطی مراکز محله‌ای را موجب شود.

## سیمای محله

از ویژگیهای محله‌های قدیم، حفظ تناسب فضاها و عناصر محله‌ای از نظر حجم و ارتفاع است. در محله‌ها کمتر خانه‌ای پیدا می‌شد که به لحاظ ارتفاع خود، از سایر خانه‌ها متمایز باشد. این وضعیت سبب می‌شد تا سیمای داخلی محله‌ها، منظره‌ای هماهنگ و متناسب را عرضه کنند. در مجموع، در محله‌های قدیم همیشه نوعی هماهنگی و همخوانی بین سیمای خارجی انواع فضاهای کالبدی وجود داشته است (سلطانزاده، ۱۳۶۴: ۲۴۳).

## مرکز محله

همانطور که قبلاً اشاره شد، مرکز محله به عنوان نقطه اصلی تکوین محله و همچنین به عنوان مرکز استقرار سطوح مختلف خدماتی محله می‌باشد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که بحث مربوط به محله، امروزه می‌تواند در نظام برنامه‌ریزی شهری جایگاه بس مهمی را به خود اختصاص دهد و خوشبختانه در سیر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران این ساختار وجود داشته است. اگرچه در نظام نوین شهرسازی به این مسئله کمتر توجه شده است، ولی امروزه به دلیل رشد و گسترش دامنه فیزیکی شهرها و تنوع نیازمندیهای شهرنشینان و بحث عدالت اجتماعی در شهرها که برنامه‌ریزان

را موظف به تأمین نیازمندیهای مختلف تمامی اقشار و طبقات اجتماعی شهرها می‌کند، بحث محله جایگاه ویژه‌ای را در برنامه‌ریزی شهری دنیا به خود اختصاص داده است؛ و حتی طرفداران رویکرد عدم تمرکز (لینچ، ۱۳۷۶ ص ۳۲۵) به این نکته اشاره دارند که محله فضایی است که می‌تواند اقتصاد و خدمات عمومی خود را تحت نظارت در آورد و هر گونه حرکتی که به خودکفایی این ساختار فضایی منجر شود، عواملی مانند غذا، انرژی، مسکن و اشتغال را مورد توجه و حمایت قرار می‌دهد. با توجه به عوامل فوق، لازم است در نظام برنامه‌ریزی شهری توجه ویژه‌ای به این ساختار فضایی داشته باشیم.

### نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به گسترش روزافزون شهرنشینی و بسط دامنه فیزیکی شهرها و همچنین لزوم تأمین نیازمندیهای مختلف ساکنین شهر، تقسیم فضایی شهر به بخشها و محله‌های مختلف امری اجتناب ناپذیر است. براین اساس، در برنامه‌ریزیهای شهری خصوصاً در طرحهای جامع و همچنین طرحهای احداث شهرهای جدید، توجه به این موضوع می‌تواند نتایج مطلوبی را در سطح شهرها داشته باشد.

به طور کلی نتایج زیر از این مطالب حاصل می‌شود:

- ۱- شهرها دارای سلسله مراتب فضایی می‌باشند،
- ۲- عوامل مختلفی می‌تواند در تکوین محلات نقش اساسی داشته باشد،
- ۳- هر یک از ساختارهای فضایی شهر مدیریت ویژه‌ای را می‌طلبد،
- ۴- تقسیم فضایی شهر به محلات مختلف را می‌توان براساس عوامل مختلفی نظیر عوامل فیزیکی، طبیعی، اقتصادی و اجتماعی انجام داد،
- ۵- محلات می‌توانند در ساماندهی فضایی شهرها نقش مؤثری داشته باشند.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف - منابع فارسی

- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۳)؛ «تاریخ شهر در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۶)؛ «مرزبندی محلات شهری در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۱)؛ لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات مؤسسه دهخدا، جلد ۳۵.
- ریمون، آندره (۱۳۷۰)؛ شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ترجمه حسین سلطانزاده، تهران: بی نا.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵)؛ مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آبی.
- شکویی، حسین (۱۳۵۲)؛ جغرافیای شهری، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، جلد اول.
- کمپفر، ؟ (بی تا)؛ سفرنامه کمپفر، تهران: بی نا.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۷)؛ شهرهای ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، جلد سوم.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶)؛ تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مشهدی‌زاده، ناصر (۱۳۷۵)؛ تحلیلی از ویژگی‌هایی برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: انتشارات علم و صنعت.
- مهدوی، مصحح الدین (بی تا)؛ تاریخچه محله خواجه، اصفهان: انتشارات محمدی.



□ نیامی، علی (۱۳۴۰)؛ مدیریت شهرداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد  
اول.

### ب - خارجی

- Bianca, S.(1985). *The structural unity of the Islamic City*, London: Unanimous.
- Driedger, L.(1997). *The urban factor*, Canada: Unanimous.
- Hyman, G.M.(1981). *Urban spatial inter action*, London: Unanimous.
- Turner, J. (1998). *The dictionary of art*, London: Unanimous.

